وفات (پروفسور اوسکارمان)

از ضایعات بزرگ ایران وفات مرحوم حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری است که با کمال اسف در جراید ایران خوانده شد که در دههء ثانی ماه محّرم 1336 درگذشت.

در تاریخ انقلاب در ایران فقط چهار و پنج نفر بیش مرد با قیمت بتمام معنی دیده نمیشود.سردار اسعدو یفرم خان از ایران و شوشتر آمریکائی مثالهای درخشندهء تاریخ اخیر ما هستند.

سردار اسعد از اشاخص بزری است که از کوهستان ایران بعمل آمده و باعث روسفیدی نژاد ایرانی گشته.در این زمان در مملکت ما فساد اخلاق در بزرگان آن ملک اسباب این همه سرافکندگی برای اشخاص بیدار و آبرومند مملکت است وجود اشخاص درست و عالی همّت و وطن‏ دوست از آن طبقه حکم یک معجزه را دارد و سردار اسعد مرحوم یکی از آن معجزات باهره بود که بپاکی و درستس و باشرقی و وطن‏پرستی ممتاز بود.

حاج علیقلی خان پسر سوّم حسینقلی خان ایلخانی بختیاری است که مسعود میرزای ظّل السلطان او را بغدر و حیله در شعبان 1299 کشت.حاج علیقلی خان بعد از فوت پدر سالها با برادر بزرگ خودش اسفندیار خان سردار اسعد در اصفهان محبوس بودند تا بعدها خلاص‏ شده بطهران آمدند و بستگی بمیرزا علی اصغر خان امین السّلطان پیدا کردند.بعد از وفات اسفندیار خان حاج علیقلی خان ملقّب بسردار اسعد شد و مدّتی در پاریس اوقات خود را گذراند.

در سال 1326 جمعی از مشروطه‏خواهان ایرانی که از ایران فراری بودند در پاریس بسردار اسعد نزدیک شدند و کمکم بتأثیر مجاورات‏ و معاشرات آنها سردار اسعد مایل شد که اوضاع استبدادی را در ایران برانداخته باسترداد مشروطیّت کمک کند.بتعلیمات مشار الیه انقلاب‏ اصفهان و هجوم بختیاریها بدانجا در ذی الحجّه 1326 بعمل آمد.بعد از افتادن اصفهان بدست بختیاریها سردار اسعد از راه محمّره عازم ایران‏ شد و پس از رسیدن بچارمحال بختیاری تدارک اردوکشی بطهران را دیده در جمادی الثانیهء آنسال با قوای خود رو بطهران آورد.بعد از فتح طهران‏ تاریخ حیات سردار اسعد با تاریخ سیاسی خود ایران توأم است زیرا مشار الیه از پیشروان عمدهء حرکات ملّی بود.از سه چهار سال باینطرف‏ بدبختانه مشار الیه از قوّهء باصره محروم شده و کم‏کم فالج نیز شده و از خانه بیرون نمیرفت ولی تمام‏وقت خود را صرف نشر علم و معرفت میکرد.

از جملهء آثار آنمرحوم کتاب تاریخ بختیاری است که در زمرهء مهمّترین کتب معدودی حساب میشود که در زمانهای اخیر در ایران نشر شده باشد.فرستادن جوانهای بختیاری را نیز برای تحصیل بفرنگستان از جملهء اعمالی است که ترقی‏خواهی مشار الیه مرحوم را بخوبی میرساند. ملّت ایران همیشه حق‏شناس و سپاسگذار خدماتی که وی بایران نموده خواهد بود.

وفات

در 20 ماه صفر 1336 دوست عزیز و همکار محترم ما پرفسور اوسکارمان‏1معروف این جهانرا وداع گفت. وفات این عّلامه که وجودش بسیار مغتنم بود برای ایران و ایرانیان از ضایعات بزرگ است.مشار الیه مرحوم در تاریخ حیات خود برای ادبیات و زبان ایران خدمات عمده کرد و در سالهای آخری در سیاست ایران نیز علقهء مهمّی پیرا کرده بود.مخصوصا بملیّون ایرانی‏ در برلین در اثنای این جنگ کمک زیادی نموده و تمام اوقات خود را صرف امور ایران میکرد.کمک مشار الیه بروزنامهء«کاوه»دلیل دیگری‏ بتأثیر اجزای این اداره از فوت آن مرحوم است.مشار الیه مرحوم در 19 جمادی الاولی 1284 در برلین متولّد شده تحصیلات خود را در مدرسهء متّوسطهء«فریدریک ویلهلم»و بعد در هایدلبرگ و برلین بپایان رسانیده در سنهء 1309 در مدرسهء عالی اشتراسبورگ در قسمت‏ فلسفی تحصیل کرده و در سنهء 1310 در خدمت کتابخانهء پادشاهی برلین داخل شد.

خدمات آنمرحوم بعالم علم بیشتر از آن است که در این مختصر بتحریر بیابد.مخصوصا در تدقیق و تتّبع زبانهای ایرانی سعی وافی مبذول‏ داشته بود.اختصاص مشار الیه در شعبهء زبان کردی از شعب علم السنهء ایرانی بود و مخصوصا برای تحقیق این شعبه مسافرتها بایران و عثمانی‏ نمود و سالها میان عشار و قبایل کردهای گوران و مکری و غیره بسر برد و در نتیجهء تتّعبات خود کتاب مشروحی در لهجهءهای مختلف‏ زبان کردی نوشت که بهترین یادگار آن مرحوم است.

مشار الیه مرحوم بواسطهء علّت مراجی که عارض او بود از یکسال باینطرف تا اندازهء از کار باز مانده بود و در این اواخر کم‏کم حالش‏ رو ببهبودی گذاشته بود و چنان بنظر میآید که دیگر مرض رو بزوال است.روز پیش از وفاتش عصر تا ساعت 8 بعدازظهر در ادارهء «کاوه»مشغول انجام امور محصّلین ایرانی بود و شب را با خود ما تا ساعت 11 برای تشکیل مجمع ایرانی در جلسهء که برای این کار منعقد شده‏ بود حاضر بود و فردای آنروز صبح با کمال تأسف و دهشت شنیدیم که ساعت 8 صبح فجأهء در گذشته.